

**محمدتقی بهار؛ شاعر و سیاستمدار آزادیخواه**

ادیب و شاعر، فعال انقلابی و سیاستمداری است که ادبیات به ویژه شعر را وسیله سودمندی برای بیان مقاصد گوناگون و موضوعات جدید قرار داد و اندیشه های مختلف فلسفی و اجتماعی و سیاسی خود را در آن گنجاند.



به بهانه سالروز درگذشت وی /

محمدتقی بهار؛ شاعر و سیاستمدار آزادیخواه

"محمد تقی بهار" ادیب و شاعر، فعال انقلابی و سیاستمداری است که ادبیات به ویژه شعر را وسیله سودمندی برای بیان مقاصد گوناگون و موضوعات جدید قرار داد و اندیشه های مختلف فلسفی و اجتماعی و سیاسی خود را در آن گنجاند. به گزارش خبرگزاری مهر، "میرزا محمد تقی" متخلص به بهار 12 ربیع الاول سال 1304 هـ. قمری در مشهد به دنیا آمد. ملک الشعرا پسر ملک الشعرا محمد کاظم صبوری می باشد. بهار بی تردید یکی از بزرگترین گویندگان پارسی در چند قرن اخیر از تاریخ ادبی ایران است. او نه تنها شاعری زبان آور و بلند اندیشه، بلکه در همان حال محقق بزرگ و نویسنده ای فعال و استادی لایق و روزنامه نگاری مبتکر و پرازش بود. وی مسلماً یکی از ارکان تکامل و تحول نظم و نثر در دوران معاصر محسوب می شود. بهار ادبیات فارسی را نزد پدرش فرا گرفت و از هفت سالگی به سرودن شعر پرداخت. همچنین از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری بهره گرفت.

بهار از 14 سالگی به همراه پدرش در مجامع آزادی خواهان حاضر شد و به مشروط خواهی دل بست. اهمیت بهار بیش تر در آن است که اولاً زبان فصیح پیشینیان را به بهترین و دل انگیزترین صورتی در سخن خود بکار برد و از این رو سرآمد گویندگان "دوره بازگشت" شد. ثانیاً از زبان متداول پارسی، و مفردات و تعبیرات و اصطلاحات آن برای تکمیل زبان ادبی قدیم و بکار انداختن آن در رفع حوایج روزگار استفاده کرد و آنها را به نحوی برای تکمیل به زبان ادبی قدیم خود گنجاند و ثانیاً از حدود فشرده و تنگ موضوعات قدیم در شعر بیرون آمد و آن را وسیله سودمندی برای بیان مقاصد گوناگون و موضوعات جدید قرار داد و اندیشه های مختلف فلسفی و اجتماعی و سیاسی خود را آزادانه در آن گنجاند. اشعار بهار در دوران مشروطیت و حوادث آن بسیار پرشور و صمیمی است و سخن او را در سطحی بالاتر از آثار همه شعرای عهد انقلاب قرار می دهد.

محمدتقی بهار که بهنگام جنگ جهانی اول به تهران تبعید شده بود به مشهد بازگشت و روزنامه نو بهار را تاسیس کرد و دوره سوم به نمایندگی مجلس انتخاب شد. بهار به تهران آمد و در تهران روزنامه "نوبهار" را با چند بار توقیف شدن نشر داد. بهار در سال 1334 هجری قمری با ایجاد جمعیتی بنام "دانشکده" و مجله ای به همین نام شعرا و نویسندگان جوان را در پیرامون خود گرد آورد و به کوشش و خلاقیت واداشت. در کودتای 1299 هجری شمسی سه ماه زندانی شد در دوره چهارم مجلس شورای ملی به همراه زنده یاد سید حسن مدرس در مبارزات سیاسی شرکت کرد. پس از پایان دوره ششم مجلس که دولت رضاخان ادامه انتخابات را در دست گرفت از سیاست کناره گرفت و یکسره به کار تحقیق و تدریس و نویسندگی پرداخت.

بهار در سال 1297 با سودابه "دختر صفدر میرزا قاجار" ازدواج کرد و طی ده سال صاحب شش فرزند (دو پسر و چهار دختر) شد. بهار در زمستان دچار بیماری سل شد و برای معالجه به سوئیس رفت و برای مدتی موقتاً بهبود یافت. اما سرانجام به دنبال این بیماری ممتد وی در صبحی بهاری در سال 1330 شمسی وفات یافت. پیکر این مرد بزرگ در آرامگاه ظهیرالدوله دفن گردید. در حالیکه هنوز فریاد آزادی خواهی او در طنین گوش و دل هر ایرانی است.

آثار بهار

1- دیوان اشعار شامل انواع شعر از قصیده، قطعه، مثنوی، غزل، مستزاد، مسمط و تصنیف که بارها در ایران چاپ شده است اولین چاپ آن در سال 1335 توسط برادرش دکتر محمد ملک زاده صورت گرفت و آخرین آن در دو دو مجلد به سال 1368 منتشر شد.

2- سبک شناسی: این کتاب برای اولین بار در سال های 1324 تا 1326 چاپ شده و آخرین آن در سال 1373 توسط انتشارات امیرکبیر چاپ شده است.

3- تاریخ انقراض قاجاریه: در دو جلد شامل یادداشت های بهار می باشد. این کتاب به بیان حوادث بعد از فرار محمد شاه تا کنفرانس لوزان و ظهور آتاتورک در ترکیه می پردازد.

4- تاریخ ظهور نظم فارسی که از روی تقریرات او تدوین شده است.

5- بهار و ادب فارسی به کوشش محمد گلبن در دو جلد شامل مقالات ساسی، اجتماعی تاریخی و ادبی است.

6- تصحیح تاریخ سیستان این کتاب جغرافیایی را که به مولف آن معلوم نیست دو یا سه نفر تکمیل نموده اند. تحریر اول آن مربوط به عصر یعقوب لیث و تحریر آخر آن مربوط به عصر سلجوقی می باشد. این کتاب از جمله متون مهم زبان فارسی است که بهار آن را در سال 1314 تصحیح و به چاپ رسانده.

7- تصحیح مجمل التواریخ و القصص: مولف این کتاب معلوم نیست. کتاب در عصر سلجوقی سال 525 تالیف شده و کتابی است در تاریخ با انشایی ساده که بهار آن را به سال 1318 منتشر ساخت.

8- تصحیح بخشی از جوامع الحکایات و الوامع الروایات محمد عوفی در سال 1324

9- تصحیح بخشی از تاریخ بلعمی

10- دستور زبان فارسی

11- ترجمه یادگار زریران از پهلوی به فارسی

12- کنیزان سفید

13- رساله در شرح حال مانی

14- مجله دانشکده که دوره آن توسط انتشارات معین (1370) به چاپ رسید.